

درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: سوره بقره

تاریخ: ۱۶ مهر ۱۴۰۳

مصادف با: ۳ ربیع الثانی ۱۴۴۶

موضوع جزئی: آیه ۵۷ - بخش‌های سه‌گانه - بخش اول: «و ظَلَلْنَا عَلَيْكُمُ الْغَمَامَ...» -

جلسه: ۳

خاص بودن دو نعمت - سخن برخی از محققین و بررسی آن

الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین

خلاصه جلسه گذشته

ما بر طبق روای که در مورد آیات داشتیم، پیرامون این آیه اجمالاً توضیحی دادیم و تناسب این آیه و ارتباطش را با آیات قبل بیان کردیم؛ سپس برخی از الفاظ و مفرداتی که نیازمند توضیح بود، فی‌الجمله شرح داده شد.

بخش‌های سه‌گانه

اما در مورد تفسیر این آیه، ما این آیه را مثل آیات گذشته به چند بخش می‌توانیم تقسیم کنیم. سه بخش در این آیه وجود دارد:

بخش اول: «و ظَلَلْنَا عَلَيْكُمُ الْغَمَامَ وَأَنْزَلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّ وَالسَّلْوَى».

بخش دوم: «كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ».

بخش سوم: «وَمَا ظَلَمُونَا وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ».

ما اجمالاً مطالبی که در مورد این سه بخش وجود دارد را توضیح می‌دهیم.

بخش اول: «و ظَلَلْنَا عَلَيْكُمُ الْغَمَامَ وَ...»

در بخش اول، خداوند متعال به دو نعمت از نعمت‌های خاص خودش نسبت به بنی‌اسرائیل اشاره کرده است. این در عداد نعمت‌هایی است که در گذشته بیان شده است؛ حالا یا نعمت هفتم بنا بر یک احتمال، یا نعمت هشتم و نهم. اینکه ما تظلیل و انزال من و سلوی را با هم یک نعمت حساب کنیم، طبیعتاً در شمارش تأثیر دارد؛ اما اگر اینها را تفکیک کنیم، دو نعمت است و البته به نحوه شمارش نعمت‌های پیشین هم بستگی دارد.

خاص بودن دو نعمت

بالاخره این دو نعمت، از نعمت‌های ویژه و خاص خداوند و تبارک و تعالی است. نوعاً وقتی سخن از بنی‌اسرائیل و یادآوری نعمت‌های خداوند به آنها می‌شود، خداوند به نعمت‌های خاص اشاره می‌کند. این نعمت خاص است و با توجه به موقعیت بنی‌اسرائیل در آن بیابان و صحرا معلوم می‌شود. اینها وقتی در آن بیابان سرگردان شدند، صحرای سینا که صحرای بی‌آب و علف و داغ بود و نه چیزی برای خوردن داشت و نه سایه‌بانی برای حفظ از تابش شدید نور آفتاب و حتی آب هم یافت نمی‌شد؛ اینجا اشاره به مسئله آب نکرده اما در این مورد هم به حسب درخواست آنها و عنایت

خداوند و کاری که حضرت موسی انجام داد، آب هم برای آنها فراهم شد. در این دو موردی که در این آیه ذکر شده، به مسئله آب اشاره نکرده اما آن هم در آن بیابان تأمین شد.

پس خاص بودن نعمت به جهت موقعیت اینها و نیز چیزی است که در آن شرایط به آنها عطا شد. یک وقت است که طعام در یک شرایط عادی برای کسی فراهم می‌شود؛ آن نعمت هست؛ وسیله حفظ از گرما و سرما در جایی که تأمینش چندان مشکل نباشد، این باعث نمی‌شود که ما آن را نعمت ندانیم؛ اما موقعیت خاصی که آنها در آن قرار داشتند، باعث شده که این دو نعمت به عنوان نعمت‌های ویژه دیده شود. آن موقعیت خاص، تحیر و سرگردانی در آن بیابان لم‌یزرع بود که هیچ سایه‌بانی برای آنها وجود نداشت.

۱. قرار دادن ابر به عنوان سایه‌بان

در آن شرایط که اینها واقعاً بی‌طاقت شده بودند، خداوند متعال سایه‌بانی برای آنها قرار داد که چند خصوصیت داشت. یک وقت آسمان ابر دارد، اما خنک نیست؛ یا باران می‌بارد که این خودش مشکلات دیگری دارد؛ یا ابر ممکن است به گونه‌ای شود که مانع نور شود. اما ابری که خداوند در آن شرایط به عنوان سایه‌بان برای آنها قرار داد، اولاً مانع شدت حرارت بود، در عین حال جلوی نور را نمی‌گرفت و مهم‌تر اینکه باران‌زا نبود، اما در عین حال یک نسیم خنکی را موجب شده بود؛ به تعبیر برخی از مفسرین، مثل یک نسیم نم‌دار بود و موجب خنکی می‌شد. در روایتی در مجمع البیان به این مطلب اشاره شده است.^۱

طبیعتاً چنین موقعیتی خاص بود و کاری که خداوند برای اینها انجام داد، کار خاصی بود؛ لذا به عنوان یک نعمت خاص در اینجا ذکر شده است. نعمت‌هایی که خداوند برای بنی‌اسرائیل فرو فرستاده، همه نعمت‌های خاص بود. خداوند نعمت‌های عام را در اینجا ذکر نکرده است؛ همه این هفت هشت نعمتی که ذکر شده، همه اینها خاص بوده است. اینجا هم قرار دادن ابر به عنوان سایه‌بان، معلوم شد که چرا نعمت خاص تلقی می‌شود.

۲. انزال «من» و «سلوی»

نعمت دیگری که اینجا یادآوری شده، آن هم خاص است: «وَأَنْزَلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّٰنَ وَالسَّلْوٰی».

البته یک بحثی در مورد من و سلوی هست که آیا این اشاره به خصوص نعمت‌ها و طعام مادی دارد یا هر دو را شامل می‌شود، هم نعمت مادی و هم نعمت معنوی؟ بعضی از مفسرین اینجا به قرائن و شواهدی استناد کرده‌اند که این دو و به خصوص سلوی به معنای مطلق امور و چیزهایی است که باعث طیب خاطر و تسکین نفس می‌شود؛ لذا هم شامل مادیات می‌شود و هم معنویات. چون طبیعتاً بهره‌مندی مادی، رضایت خاطر انسان را به دنبال دارد؛ بهره‌های معنوی هم به نوعی دیگری این رضایت خاطر را به دنبال دارد؛ بعضی این را اعم از نعمت مادی و معنوی دانسته‌اند. مادی معلوم

۱. مجمع البیان، ج ۳-۴، ص ۲۸۱.

است؛ گفتیم من به چه معناست با همه اختلافی که در آن هست، که همان ترنجبین یا عسل یا شیرهای شبیه ترنجبین باشد؛ سلوی هم همان پرنده‌ای است که اصطلاحاً در ترکی به آن بلدرچین می‌گویند و یک چیزی شبیه به آن بوده است؛ بزرگتر از گنجشک و کوچکتر از کبوتر.

سخن برخی از محققین

مرحوم آقای مصطفوی صاحب التحقیق فی کلمات القرآن، مخصوصاً در مورد سلوی معتقد است که این ظهور قوی‌تری در معنویات دارد؛^۱ با توجه به اینکه من به خوراکی مربوط می‌شود و همان شیره یا چیزی ترنجبین بوده که به صورت شبنم نازل می‌شد و بر سنگ و بیابان فرو می‌نشست و بعد سفت می‌شد و آنها در یک ساعت مخصوصی می‌توانستند از این استفاده کنند، ایشان معتقد است که این بخش دوم بیشتر ظهور در معنویات دارد.

بررسی

اما به نظر می‌رسد این سخن صحیح نیست؛ چون:

اولاً: خود لفظ من و سلوی علی‌رغم اختلاف نظری که در آنها وجود دارد، از نظر لغوی عمدتاً بر یکی از نعمت‌های مادی اطلاق شده است؛ اینکه می‌گوییم نعمت‌های مادی، هر چه می‌خواهد باشد. اینکه سلوی یا من بر چه چیزی اطلاق شود، اما تقریباً اتفاق نظر وجود دارد بر اینکه این دو اشاره به یک امر مادی دارند، هم من و هم سلوی.

ثانیاً: به علاوه، بخش دوم این آیه که خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: «كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ»، خود امر به اکل از طیبیات چیزهایی که خداوند روزی انسان می‌کند و رزق انسان قرار می‌دهد، این ظهور در این دارد که اینها مادی بودند؛ و الا چه دلیلی داشت که بلافاصله بعد از اشاره به این دو، یعنی انزال من و سلوی، بفرماید که بخورید، منتها به اندازه‌ای که نیاز دارید و مبادا اسراف کنید و مبادا ذخیره کنید؛ تقریباً اشاره و کنایه‌ای از نهی از ذخیره‌سازی و اسراف نسبت به این دو است.

به هر حال ظاهر من و سلوی این است که اینها دو طعام برای بنی‌اسرائیل بودند در آن شرایطی که از گرسنگی و تشنگی نزد حضرت موسی شکایت کرده بودند؛ لذا اینکه بعضی این را اعم از مادیات و معنویات دانسته‌اند، یا مثلاً یکی از این دو را ظاهر در یک امر معنوی دانسته‌اند، وجهی ندارد.

ثالثاً: برخلاف نظر اکثریت قریب به اتفاق مفسران است. حتی کتاب‌های تاریخی و حدیثی که به نوعی به این ماجرا پرداخته‌اند، با اینکه این روایات یا تواریخی که این ماجراها را نقل کرده‌اند، خیلی اعتبار ندارند و واقعاً نمی‌شود به اینها استناد کرد، اما مع ذلک در هیچ کدام از آنها به اینکه این چیزی که خداوند نازل کرده، یک امر معنوی بوده، اشاره نشده است.

بنابراین ویژگی این دو نعمت، یعنی تظلیل به وسیله غمام و انزال من و سلوی، معلوم شد که به چه جهت است. چنانچه

۱. التحقیق فی کلمات القرآن، «س، ل، و».

معلوم شد من و سلوی که خداوند برای بنی اسرائیل فرو فرستاد، نعمت‌های مادی بودند و نه معنوی. این نکته را هم عرض کنم که طبق یک احتمال که من یک معنای اعمی داشته باشد (نه یک مورد خاص از خوردنی‌ها) ولو مادی هم باشد نسبتش با سلوی می‌شود نسبت عام و خاص. یعنی کأن سلوی از قبیل ذکر خاص بعد العام است، و البته بعضی روایات هم این معنا را تأیید می‌کند. لکن بعضی از آیات قرآن با این احتمال چندان سازگار نیست؛ چون طبق آیه ۶۱ سوره بقره، بنی اسرائیل به موسی شکایت کردند و شکایت آنها این بود: «يَا مُوسَى لَنْ نَصْبِرَ عَلَىٰ طَعَامٍ وَاحِدٍ»، ما بر طعام واحد نمی‌توانیم صبر کنیم؛ بالاخره دنبال تنوع طعام و غذا بودند. لذا این بخش از آیه ۶۱ با این احتمالی که گفتیم، سازگار نیست که من را حمل بر یک معنای عام کنیم. لذا به نظر می‌رسد من و سلوی هر کدام به مصداق خاصی از نعمت‌های خداوند اشاره دارد.

بحث جلسه آینده

بخش دوم و سوم را ان شاء الله در جلسه آینده بیان خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمين»